

کمینه گرایی در خرده حکایت های کشف المحجوب

زهرا صالح نژاد^۱

نویسنده مسئول:

زهرا صالح نژاد



چکیده

مینیمالیسم یا کمینه گرایی سبکی ادبی است که بر اساس اختصار و کم کردن محتوا در اثر به وجود آمده است. با رواج این سبک و جنبش ادبی در حوزه ی ادبیات، داستان های کوتاه یا داستانک ها به وجود آمدند. داستان های کوتاهی که نویسندگان آن ها با استفاده از ساده نویسی و شیوه های گفتگو یا نقل و روایت و جمله های کوتاه، آثاری به یاد ماندنی را آفریده اند. در زبان و ادبیات فارسی جدای از آثار جدید و معاصر، آثار کهن بسیاری وجود دارد که می توان آن ها را بر اساس مختصات و ویژگی های سبک کمینه گرایی بررسی کرد. یکی از این آثار مهم کتاب ارزشمند کشف المحجوب است که حکایت های گوناگون و داستانک های زیبایی آن را آراسته است و می توان این حکایت ها را نمونه هایی از سبک مینیمالیسم یا کمینه گرایی در تاریخ زبان فارسی دانستیم.

کلمات کلیدی: کمینه گرایی، کشف المحجوب، حکایت، ایجاز، مینیمالیسم.

مقدمه

داستان های کوتاه یا حکایت های عارفانه تقریباً در تمام متون عرفانی چه نظم و چه نثر دیده می شوند و در بسیاری از این داستان ها می توان عناصر اصلی داستان را مشاهده کرد. استفاده از داستان کوتاه یا حکایت یکی از روش های آموزش مفاهیم و اصول عرفان و تصوف به مخاطبان بوده است. از میان متون کهن عرفانی زبان فارسی کشف المحجوب هجویری در این پژوهش از نظر سبک داستان های کوتاه یا حکایت ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کتاب کشف المحجوب در ادبیات عرفانی زبان فارسی نقش مهمی داشته است اما با وجود این تحقیق های اندکی در ارتباط با این کتاب انجام شده است. حکایت ها کتاب هجویری آموزش ها و دیدگاههای نویسنده را بیان می کند این حکایت ها از نوع تعلیمی است. از ویژگی های حکایت ها در کتاب کشف المحجوب می توان به کوتاهی، سادگی و ایجاز اشاره کرد که این ویژگی ها از عناصر اصلی در سبک کمینه گرایی یا مینیمالیسم است. یکی دیگر از دلایلی که می توان حکایت های کشف المحجوب را بر اساس این سبک معاصر بررسی کرد انتخاب برشی از موقعیت یا حادثه ای است که برای قهرمان پیش آمده و بر خواننده تأثیر می گذارد. لحظه های حاصل از کشف و شهود در مرکز این حکایت ها قرار گرفته و داستان یا حکایتی خلق می شود.

پیشینه تحقیق

پیرامون کشف المحجوب نادر ابراهیمی در کتاب «صوفیانه ها و عارفانه ها» از پنجاه حکایت کشف المحجوب استفاده کرده است در این کتاب حکایت ها از جنبه های مختلفی چون جامعه شناسی، تاریخی، اخلاقی و ... بررسی می شوند. در مقاله ای از سید اسماعیا قافله باشی با عنوان «نقد ریخت شناسی حکایت های کشف المحجوب و تذکره الاولیا» حکایت های کشف المحجوب براساس روش پراپ مورد تحلیل قرار گرفته اند.

کشف المحجوب و هجویری

کشف المحجوب از کهن ترین متون تصوف است که در اوایل قرن پنجم هجری به وسیله ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری به رشته تحریر درآمد. «کشف المحجوب کتابی است تعلیمی در تصوف از علی بن عثمان هجویری از قرائن ایدون استنباط می شود که نوشتن کتاب پیش از ۴۶۵ قمری آغاز شده است و پس از ۴۶۹ به پایان رسیده است» (هجویری، ۱۳۸۳ : ۴۱).

هجویری در روزهای پادشاهی سلطان محمود غزنوی به دنیا آمد و علوم رایج در زمان خود همچون قرآن، حدیث، تفسیر، فقه و کلام را در زادگاه خود آموخت. محمد تقی بهار در این باره می گوید: «این کتاب از حیث سبک بالاتر و اصیل تر و به دوره اول نزدیک تر است تا سایر کتب صوفیه و می توان آن را یکی از کتب طراز اول شمرد که هر چند در قرن پنجم تألیف شده و بیش از کتب قدیم دستخوش تازی و لغتهای آن زبان است اما باز نمونه سبک قدیم را از دست نداده و روی هم رفته دارای سبک کهنه است» (بهار، ۱۳۴۹: ۱۸۷).

کتاب کشف المحجوب شامل سه بخش است که بخش اول مقدمه مؤلف در علت تألیف کتاب، بخش دوم اطلاعات کلی در باب تصوف و ترجمه احوال صوفیان معروف تا زمان نوشتن کتاب و بخش سوم که قسمت اصلی کتاب است شامل بحث و بررسی مسایل مختلف تصوف است. از زندگی هجویری مؤلف کتاب کشف المحجوب اطلاع چندانی در دست نیست و آنچه از زندگی او می دانیم همان است که خود در کتابش آورده است. مذهب وی حنفی است و در رعایت شریعت و اعمال دینی طبق قواعد این مذهب اصرار دارد. در بخش اول کتاب کشف المحجوب همانگونه که آورده شد مطالبی در مورد وضع کتاب در جامعه و سرقت ادبی مطرح شده است. نویسنده در مقدمه ابتدا در چند سطر نام خود و استخاره برای تألیف کتاب را آورده و سپس به شرح این مسایل پرداخته است.

در بخش دوم کتاب اطلاعات کلی درباره تصوف و شرح حال صوفیان معروف آمده است این قسمت شش باب دارد. درباره مسایل مقدماتی تصوف چون معنای علم، فقر و تصوف و آداب خرقة پوشیدن و بحث درباره ملامتگری آورده است. در بخش سوم که بخش اصلی کتاب است یازده حجاب صوفیان کشف شده است. حجاب هایی مانند خدانشناسی، توحید، ایمان، طهارت و ... به تفصیل مشروح داده شده اند.

سبک ادبی مینیمالیسم یا کمینه گرایی

کمینه گرایی یا مینیمالیسم یک مکتب هنری است که اساس آن کاهش مفرط محتوای اثر به حداقل عناصر ضروری است این مکتب بعد از جنگ جهانی دوم در هنر غربی به رسمیت شناخته شد. مینیمالیسم در مدرنیسم ریشه دارد مینیمالیسم در ایالات متحده به سرعت تبدیل به یک جنبش هنری شد که بیشتر با خلق آثار سه بعدی همراه بود. کمینه گرایی در ادبیات سبک یا اصلی ادبی است که بر پایه فشردگی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر بنا شده است.

مینیمالیست ها در فشردگی و ایجاز تا آنجا پیش می روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاهترین شکل باقی بماند. به همین دلیل کم حرفی از مشخص ترین ویژگی های این آثار است. پیامد این جنبش هنری رواج داستان بسیار کوتاه با دو ویژگی کم حجمی و سادگی است. نویسندگان این سبک با حفظ اصول داستان با حذف مقدمه، به کارگیری مضامین جذاب و شکل دادن به داستان بر پایه نقل، گفتگو و روایت واژه های ساده، جمله های کوتاه سعی کرده اند داستان های ماندگار بیافرینند.

نویسندگان این سبک عقیده دارند که صرفه جویی در کلام و کوتاه نویسی، موجب زیبایی می شود و بر تأثیر کلام می افزاید به عبارت دیگر طرفداران این سبک معتقدند که ایجاز و سادگی دو ویژگی زیبایی شناسانه است. مینیمالیسم را در فارسی معادل (خُرد گرایی و حداقل گرایی) دانسته اند به عقیده پیروان این مکتب «می توان در عرصه ادبیات با حفظ اصول ساختاری و فنی یک قصه با کمترین میزان گفتگو، با زبانی ساده داستانی شگرف آفرید» (گوهرین، ۱۳۷۷: ۱۸). به نظر آنان سادگی و کم حجمی اصیلترین ویژگی این سبک است.

عناصر و ویژگی های کمینه گرایی در حکایت های کشف المحجوب

کتاب کشف المحجوب را می توان کتابی ساده و روان دانست که با موضوع تعلیم نوشته شده است. با توجه به ذات تعلیمی کتاب نویسنده از حکایت های گوناگون برای تفهیم بهتر مطالب خود سود جست است. حکایت ها و طرز بیان آن در کشف المحجوب با هدف پندآموزی، آسان سازی دریافت مفاهیم عرفانی، معرفی شخصیت های بزرگ عرفانی آورده شده اند. در این حکایت ها دو عنصر یعنی توالی زمان و رابطه علی و معلولی بین حوادث پیرنگ را به وجود می آورد. شیوه روایتگری در حکایت های کشف المحجوب را می توان این گونه برشمرد:

- گزینش لحظه های خاص از یک حادثه و روایت برشی از آن لحظه
- تمایل به انسجام و کوتاهی حکایت
- استفاده از زبان ساده در حکایتها و پرهیز از عبارت پردازی
- کمی تعداد شخصیت ها
- انتخاب طرح ساده برای حکایتها
- بیان روای حکایتها
- زاویه دید ثابت

و این ویژگی ها را می توان در آثار کمینه گرایی معاصر نیز جستجو کرد به نوعی می توان این ویژگیها را خصوصیات یک اثر کمینه گرا دانست اکنون این عناصر را در حکایت های کشف المحجوب بررسی می کنیم:

گزینش لحظه های خاص از یک حادثه

صحنه در اصطلاح داستان نویسی عبارت از «زمان و مکانی است که عمل داستانی در آن اتفاق می افتد و کاربرد درست آن بر باورپذیری داستان می افزاید» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۴۴۹). در حکایت های کشف المحجوب به زمان و مکان اشاره ای نشده است ولی در تعدادی از حکایت ها بیان زمان و مکان از اهمیت زیادی برخوردار است. کاربرد شکلهای مختلف زمان و مکان در حکایت های کشف المحجوب با محتوای آنها ارتباط دارد.

پرهیز از تکرار رویدادها یکی دیگر از شگردهای هجویری برای کوتاه کردن حکایتها است. مکان وقوع حوادث در حکایتها محدود است و اتفاق های داستان در مکان های معین و محدودی رخ می دهد. توصیف مکانها از جمله شهر، ده، مسجد، رود، دریا و ... به صورت کلی است و در بیشتر موارد به ذکر نام آن مکان ها بسنده می کند. مثلاً: «روزی اندر جویبار حیره نیشابور می رفتم» (هجویری، ۱۳۸۳: ۲۷۸).

در بسیاری از حکایتها هجویری مانند کمینه گرایان معاصر رویدادهایی را که همزمان با رویداد اصلی اتفاق افتاده در لابلای حکایت نمی گنجانند و توضیح اضافه ای نمی دهد.

تمایل به انسجام و کوتاهی

ایجاز یکی از مهم ترین و اصلی ترین خصوصیات یک داستان کمینه گراست «ایجاز آن است که گوینده و نویسنده آنچه را که در ضمیر اوست و قصد تفهیم آن را دارد در عبارتی کوتاه و با الفاظی اندک، با رعایت فصاحت و بلاغت چنان بپرورد که تمام مقصود او را برساند. کلام موجز آن است که از زاوید، پیراسته باشد» (همایی، ۱۳۵۴: ۱۴۳).

کوتاهی حکایت های کشف المحجوب مضمون و مفهوم آنها را آسان تر می کند. حکایت های این کتاب را می توان به خاطر ویژگی هایی مثل کوتاهی و ایجاز در ردیف داستان های کمینه گرا دانست حکایت های کشف المحجوب بسیار شبیه به داستان های کوتاه امروزی است در این حکایت ها تعداد وقایع اندک است و تمرکز بر واقعه اصلی است که این واقعه اصلی معمولاً لحظه خاص از زندگی یک شخصیت است؛ گاهی حکایت ها قبل از گسترش یافتن پایان می یابند مانند: «حکایت خشک ماندن جامه شیخ در باران» (هجویری، ۱۳۸۳: ۳۵۰).

حکایت های کشف المحجوب معمولاً بدون مقدمه آغاز می شوند و در نقطه اوج به پایان می رسند این حکایت ها از زمانی در گذشته شروع می شود و تا زمان معینی ادامه می یابد. تلخیص و کوتاه کردن یکی دیگر از نشانه های کمینه گرایی در حکایت هاست «تلخیص در اصطلاح به معنای خلاصه کردن زمان، رویداد، عمل، سرگذشت یا حالتی و بیان آن در جمله های اندک است به طوری که خواننده از طریق راوی و زبان او با داستان آشنا می شود» (ایرانی، ۱۳۶۴: ۸۰). و هجویری از این شیوه در بسیاری از حکایت ها بهره برده است.

استفاده از زبان ساده در حکایت ها و پرهیز از عبارت پردازی

زبان ساده یکی از ویژگی های داستان های کمینه گراست و این ویژگی یکی از مهمترین خصوصیات کشف المحجوب است. زبان حکایت های هجویری، نسبت به موضوع کتاب ساده تر است و به کار بردن واژه های ساده و شفاف و استفاده از کلمه ها در معنای حقیقی آن ها و دوری از زبان مجازی و استعاری موجب شده است که خواننده بتواند با سرعت بیشتری حوادث را مجسم کند. به کار بردن جمله های کوتاه از دیگر دلایل ساده و روان بودن زبان هجویری است. به طوری کلی کتاب کشف المحجوب به عنوان یک نثر مرسل یا ساده در زبان فارسی شناخته شده است و این خصوصیت دقیقاً منطبق بر ویژگی سبک مینیمال یا کمینه گراست.

کم بودن تعداد شخصیت ها

تعداد شخصیت هایی که در یک داستان به ایفای نقش می پردازند ارتباط مستقیم با حجم آن داستان دارد یکی از ویژگی های داستان های مینی مالیست کم بودن تعداد شخصیت هاست چون اصولاً در این گونه داستان ها زمان و مجال برای پرداختن به شخصیت های زیاد وجود ندارد. این ویژگی را می توان در داستان های کشف المحجوب مشاهده کرد اغلب حکایت های این کتاب دارای دو یا سه شخصیت هستند در بسیاری از داستان ها یک شخصیت محور اصلی است و موضوع اصلی داستان حول این محور می چرخد. حکایت های کشف المحجوب را می توان شخصیت محور دانست اما شخصیت ها در هر حکایت متنوع نیستند و بیشتر مشایخ صوفیه و بزرگان عرفان شخصیت اول داستانک ها هستند به طوری که تعداد شخصیت ها در حکایت های کشف المحجوب همچون داستان های کمینه گرای معاصر بسیار اندک هستند و اگر بیش از یک شخصیت در این داستان ها حضور داشته باشند، نقش مهمی ندارند و محوریت داستان بر شخصیت اصلی است و این ویژگی را می توان یکی دیگر از دلایل کوتاهی و ایجاز در حکایت ها دانست.

انتخاب طرح ساده برای حکایت ها

طرح یا پیرنگ «چهارچوب اصلی تشکیل دهنده داستان است که بیشتر بر روابط علت و معلولی تکیه دارد» (مستور، ۱۳۹۱ : ۱۳). پیرنگ هر داستان متناسب با حجم آن ساده یا پیچیده خواهد بود در داستان های بسیار کوتاه مینیمال طرح ساده است اما طرح رمان یا داستان بلند پیچیده است داستان های کوتاه آغاز و پایانی نزدیک به هم دارند و به همین دلیل بسیاری از عناصر طرح یک داستان بلند مانند گره افکنی، تعلیق، بحران، گره گشایی و ... در آنها وجود ندارد. داستان های کوتاه باید قصه ای جذاب داشته باشند تا بتوانند خواننده را با خود همراه کنند. حکایت های کشف المحجوب مانند داستان های کمینه گرای معاصر وقایع اندکی دارند که معمولاً لحظه مهمی از زندگی یک شخصیت است. حکایت های هجویری به طور کلی طرحی ساده دارند و با توجه به موقعیت برخی عناصر پیرنگ در آن ها دیده می شود. نبودن تمام عناصر یک پیرنگ و طرح کامل باعث ضعیف شدن اثر می شود اما در عین حال می تواند خواننده ای را که زمان کافی یا حوصله ای زیاد ندارد را با خود همراه کند و نیز خوانندگان دقیق را برای کشف ناگفته های داستان تشویق نماید. هجویری در حکایت های کشف المحجوب به فراخور موضوع و شرایط هر حکایت از طرح بهره برده و از این رو حکایاتش را خواندنی تر کرده است.

بیان روایی (روایت)

«روایت را مجموعه ای از کنش هایی دانسته اند که در زمان و مکان مربوط به گذشته روی داده و با گزینش راوی، در نظامی هدفمند جمع آوری شده است» (تولان، ۱۳۸۳ : ۱۸). بیان روایی و روایت داستان از ویژگی های داستان های مینیمال است و این ویژگی را هجویری به زیبایی در حکایت های خود به کار برده است. روایت های هجویری از زمانی در گذشته شروع می شود و تا زمان معینی ادامه می یابد هجویری در بیان روایت ها از سه ابزار نشان دادن، نقل کردن و توصیف بهره برده است. او با نشان دادن اعمال و رفتار و گفتار شخصیت ها مخاطب را وارد داستان می کند، نقل حوادث به معنی خلاصه کردن زمان و رویدادها است این شیوه در کوتاه کردن داستان ها مؤثر است توصیف های هجویری در حکایت ها بسیار کوتاه است این توصیف ها معمولاً در ابتدای حکایت ها از زبان راوی بیان می شوند.

زاویه دید

از دیگر ویژگی های یک اثر کمینه گرا ثابت ماندن زاویه دید است «زاویه دید یا شیوه نقل داستان، موقعیت نویسنده را نسبت به روایت نشان می دهد و بر سایر عناصر داستان مثل شخصیت پردازی، گسترش طرح، شیوه نگارش و صحنه پردازی تأثیر می گذارد» (میرصادقی، ۱۳۸۵ : ۳۸۶). تغییر نکردن زاویه دید در حکایت های کشف المحجوب آنها را بیش از پیش به داستان های مینی مال نزدیک می کند. به علت حجم کم داستان یا حکایت فرصتی برای تغییر زاویه دید وجود ندارد هجویری حکایت های خود را از دو زاویه دید اول شخص و سوم شخص روایت کرده است. و این ویژگی همان گونه که بیان شد از مختصات سبک کمینه گرا است.

نتیجه گیری

در بسیاری از حکایت های کشف المحجوب می توان خصوصیات سبک کمینه گرایی را مشاهده کرد. گزینش لحظه های خاص از یک حادثه، ایجاز، استفاده از زبان ساده و پرهیز از عبارت پردازی، کم بودن تعداد شخصیت ها، طرح و پیرنگ ساده از عناصری هستند که حکایت ها را به سبک مینی مالیسم نزدیک می کند. حکایت های کوتاه هجویری طرح و زبانی ساده دارند. داستان ها معمولاً حول یک شخصیت می چرخند و شیوه روایت و توصیف های کوتاه و مختصر از دیگر ویژگی های خرده حکایت های کشف المحجوب است.

منابع و مراجع

- ایرانی، ناصر، (۱۳۶۴)، داستان تعاریف و ابزارها، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۴۹)، سبک شناسی، مجلد دوم، امیرکبیر و پرستو، تهران.
- تولان، مایکل جی، (۱۳۸۳)، روایت در فیلم داستانی، مترجم: ابوالفضل حرّی، مجلد ۱، بنیاد سینمایی فارابی، تهران.
- گوهرین، کاوه، (۱۳۷۷)، آینده رمان و شتاب زمان، آدینه، مهر ۱۳۷۷، صص ۱۸-۲۰.
- مستور، مصطفی، (۱۳۹۱)، مبانی داستان کوتاه، مرکز، تهران.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۵)، عناصر داستان، سخن، تهران.
- هجویری، علی بن عثمان، (۱۳۸۳)، کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، سروش، تهران.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۹۱)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما، تهران.